

### بررسی روایات ثواب حج به مثابه ساخت اولویت در راهبری اجتماعی و تربیتی در عصر امام صادق علیه السلام

احمد سعیدی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

#### چکیده

نگاه اجتماعی به مجموعه اقدامات و بیانات اهل بیت علیهم السلام و کشف پشت پرده های راهبردی ایشان برای انسجام و گسترش مذهب شیعه از جمله نگاه های مغفول در معرفی اسلام و اهل بیت است. این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی در صدد است تا از بحث ساده ای مثل روایات مقایسه ثواب حج با ثواب صدقه، عتق رقبه و جهاد، راهبرد های امام صادق علیه السلام در تربیت ولایی جمعیت شیعه و تبدیل آن به تشکیلات شیعی را کشف کند. جا به جایی تمرکز ثروت شیعیان از منفعت عامه به منفعت شیعه و محوریت بخشی به امام و عرضه ولایت و نصرت بر او و همچنین پررنگ کردن مکتب تشیع در کنش های اجتماعی و مناسبات فرهنگی و اقتصادی از جمله پشت پرده های این دسته از روایات است که مقدمات شکل دهی سازمان و کالت و اندیشه و تربیت شیعی را رقم زده است.

**واژگان کلیدی:** روایات ثواب، ساخت اولویت، راهبری اجتماعی و تربیتی، امام صادق، جمعیت

شیعه

## مقدمه

یکی از بدفهمی‌هایی که از اسلام صورت گرفته است منحصر کردن سیره و آموزه‌های ائمه علیهم السلام به مسائل فردی است از قبیل اینکه چگونه راه رفته، غذا خورده و نماز خوانده اند اما اینکه مثلاً جایگاه امام صادق علیه السلام در خط سیر تاریخی کاروان بشر چه بوده و برای ایفای نقش تاریخی خود و تکامل بشریت چگونه عمل میکردند به آن پرداخته نمیشود. برای رسیدن به این مطلب و یافت شیوه‌ها و روش‌های ایشان برای رشد امت و رهبری جامعه اینگونه نیست که کارها و تحقیقات آماده‌ای وجود داشته باشد بلکه باید با استفاده از آیات و روایات و مجموعه قرائن تاریخی و غیر تاریخی به اینگونه محتواها رسیده و فهم را سامانه داد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۰)

یکی از کسانی که به خاطر کثرت روایات صادره از ایشان میتوان بیشتر به روش‌ها و راهبرد‌های او برای هدایت شیعه پی برد، امام صادق علیه السلام هستند. ایشان به دلیل حضور در دوران چهارم امامت یعنی تلاش سازنده بلند مدت (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۵۸۹) نقشه‌ای که طراحی کردند مقدمه‌ای برای رسالت ویژه امامان بعدی بوده لذا فهم درست طرح ایشان، به شناخت طرح کلی امامت کمک شایانی خواهد کرد. میتوان گفت گروه شیعه‌ای که در زمان امام حسین بوده و در زمان امام باقر به جمعیت شیعی تبدیل شده بود، در زمان امام صادق علیهم السلام مقدمات تبدیل شدن به تشکیلات شیعی را میبیمود. لذا فهم مجموعه اقدامات، بیانات و توصیه‌های ایشان در نوع تربیت جمعیت شیعی برای تبدیل شدن به تشکیلات شیعی، حاوی نکات بسیار قابل استفاده‌ای برای طرح ریزی‌های فرهنگی روز است.

از جمله راهبرد‌هایی که امام صادق علیه السلام برای رسیدن به این تشکیلات در نظر داشتند، انسجام و گسترش هر چه بیشتر جمعیت شیعه و اخذ مکتب تشیع و شکل‌گیری هویت ولایی در شیعیان بوده است. برای شکل‌گیری این هویت، پررنگ کردن روابط ولایی و ارتباطات ایمانی شیعی لازم بود، که این مقاله در تلاش است تا روایات ثواب حج را به مثابه راهکاری از امام صادق علیه السلام برای این مورد اثبات کند. روایات ثواب حج که ثواب حج را در مقایسه با ثواب صدقه، عتق رقبه و جهاد بسیار بالاتر ذکر کرده اند در واقع ساخت اولویتی برای جمعیت شیعه آن زمان بود تا کنش‌هایی اجتماعی و اعمال اخلاقی و تربیتی خود را به سمت ولایت و روابط ولایی سوق داده و محوریت امام را در آن‌ها تمرین دهد.

پژوهشی که با موضوع این مقاله یا مشابه این مقاله باشد وجود نداشته اما در موضوع روایات ثواب پژوهش‌هایی وجود دارد از جمله مقاله «نگاهی به ساز و کار ثواب و عقاب الهی» نوشته «محمد حسین صالح آبادی» است که در آن مؤلفه‌هایی که در تعلق ثواب

و عقاب به شخص در نظر شارع وجود داشته را بررسی کرده که از جمله آن‌ها که مرتبط با پژوهش پیش رو است مؤلفه نتیجه عمل یعنی اثرگذاری عمل انجام شده در سرنوشت جامعه و هدایت آن است. اما بنا به غرضی که داشته کلی بحث کرده و به احصاء تمامی ملاک‌ها پرداخته اما به صورت مصداقی در مثل مؤلفه مذکور به تحلیل راهبرد هایی که از دل این تعلق ثواب ایجاد میشود نپرداخته است.

از جمله پژوهش‌های دیگر مقاله «ثواب و عقاب‌های شگفت‌انگیز» نوشته «محمد عالمزاده نوری» است که در آن به تحلیل ثواب‌ها و عقاب فوق‌العاده زیادی که در برخی آیات و روایات وجود داشته و باعث تعجب خواننده شده پرداخته اند. تقسیم ارزش عمل به ارزش کلی و ارزش جزئی و تعریف ارزش جزئی به احتساب تمام مقارنات، عوامل واقعی، حسن فعلی و تمام اثرات و شرایط دیگر در ثواب عمل قسمتی است که میتوان مرتبط با مقاله پیش رو دانست اما به صورت مصداقی در مورد روایات ثواب حج و راهبری تربیتی برخاسته از آن صحبتی نشده است. این مقوله در کتابی که ایشان با عنوان «استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی» نگاشته اند نیز آمده است (عالمزاده، ص ۲۵۱).

مقاله دیگری تحت عنوان «کاوش سندی و محتوایی ثواب ناهمگون احادیث زیارت‌خانه خدا» به بررسی دلایل متفاوت بودن ثواب زیارت‌خانه خدا در روایات پرداخته که از جمله آن‌ها عوامل سیاسی حاکم است که میتواند نزدیک‌ترین محتوا به پژوهش پیش رو باشد اما کلی بوده و دأب نویسنده بررسی مصداقی و جزئی آن مثل راهبری تربیتی مورد بحث در این مقاله نیست.

روش تحقیقی که در این مقاله به کار رفته است روش «تحلیل محتوای کیفی» است. تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم، سعی در استنباط و آشکار کردن الگوی‌های نهان در متن هدف را دارد (مؤمنی راد و دیگران، ۱۳۹۲). نوع روش تحلیل محتوای کیفی در این مقاله نیز ترکیبی از «تحلیل اسنادی». تحلیل اسنادی عبارت از بررسی کتابخانه‌ای اسناد و منابع در دسترس در مقابل مطالعه موردی، مردم‌نگاری، روش‌شناسی مردم‌نگارانه و روش تاریخی-تطبیقی است (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴).

نکته دیگر نیز آن است که حجی که در اینجا مد نظر بوده و در مقایسه به اعمال دیگر در نظر گرفته شده است حج مستحبی بوده و حج واجب از آن خارج است. چرا که حج واجب از جمله مناسک مهم اسلامی و شعائر توحیدی است. حج جزو پنج (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۶) (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۱) (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸) یا هفت (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲) و یا ده رکنی (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۴۷) بوده که اسلام بر آن بنا شده است و مقایسه آن با امور دیگر از جمله صدقه، عتق رقبه، جهاد، قضای حاجت مؤمن و اطعام و پوشاندن آن که

اموری مستحبی هستند خارج از محل بحث است.

در این مقاله ابتدا روایاتی که در مورد اولویت حج نسبت به صدقه، عتق رقبه و جهاد است بیان شده و بعد از آن، این اولویت بندی بر اساس استقلال جمعیت شیعی از جمعیت عامه و محوریت امام در مراودات و تعاملات اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته است.

## ۱- روایات دال بر اولویت حج

### ۱-۱- ثواب حج در مقایسه با عتق رقبه

عتق رقبه از جمله اعمالی است که ثواب بسیاری برای آن ذکر شده است و آنچنان دارای اهمیت است که در کفارات، بدیل امساک و اطعام مسکین آمده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که هر کسی بنده ای را آزاد کند به ازای هر عضو آن بنده آزاد شده عضو مماثل آن، در فرد آزاد کننده از آتش جهنم در امان میماند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۵) یا در روایتی دیگر ایشان میفرمایند که چهار عمل است که اگر کسی یکی از آن ها را انجام دهد داخل بهشت میشود که یکی از آن ها آزاد کردن بنده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹۴)

اما همین آزاد کردن برده، بارها در زبان ائمه اطهار وقتی در تزامم با حج قرار میگیرد، مرجوح شده و حج اولویت میگیرد. امام باقر علیه السلام در روایتی که به چند طریق در کتب روایی آمده است یک حج را برتر از آزاد کردن هفتاد برده دانسته اند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۵) (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲) روایت جالب دیگری وجود دارد که نزد امام صادق علیه السلام از نظر عبدالله بن میمون در مورد برتر بودن عتق رقبه از حج صحبت به میان آمد که ایشان صراحتاً فرمودند که عبد الله بن میمون دروغ گفته و گناه کرده بلکه یک حج از آزاد کردن ده برده فضیلت بیشتری دارد:

«قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَيْمُونٍ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ فَقَالَ مَا تَرَى فِي رَجُلٍ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ الْحَجَّ أَفْضَلَ أَمْ يُعْتِقُ رَقَبَةً فَقَالَ لَا بَلْ عَتَقَ رَقَبَةً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَذَبَ وَاللَّهِ وَ أَثِمَ لِحَجَّةٍ أَفْضَلُ مِنْ عَتَقِ رَقَبَةٍ وَ رَقَبَةٍ وَ رَقَبَةٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۹)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام به جا آوردن یک حج از آزاد کردن هفتاد برده فضیلت بیشتری پیدا کرده به طوری که طبق این بیان عمل دیگری از لحاظ فضیلت به پای حج نمیرسد (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۰)

## ۱- ۲- ثواب حج در مقایسه با صدقه

صدقه دادن نیز از جمله اعمالی است که ثواب بالایی داشته و توصیه یه آن کثیر است. در روایات مختلف و کتب مختلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که «وَأَسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳) (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۲) (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۶۰) (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۶۸) یعنی با دادن صدقه رزق و روزی را بر خودتان نازل کنید. در روایت دیگری نیز از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که زمین قیامت سرتاسر آتش است جز سایه مؤمن و سایه مؤمن نیز با صدقه پدید میاید:

«أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تَطْلُهُ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۴۰)

اما همین صدقه که اینچنین ارزش و ثواب داشته وقتی در مقایسه با حج قرار میگیرد مرجوحیت پیدا کرده و حج در اولویت قرار میگیرد. روایتی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که به طرق مختلف نقل شده و بیان کننده فضیلت یک حج نسبت به یک خانه پراز طلاست که در راه خدا صدقه داده شود. (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶۶) (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۹) (کلینی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۲)

در روایت جالب دیگری از امام صادق علیه السلام یک حج را نه برتر از صدقه دادن یک خانه پراز طلا بلکه برتر از صدقه دادن یک دنیا طلا و نقره دانسته اند که نشان دهنده شدت اولویت حج نسبت به صدقه است (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۶۹۵) در روایت دیگر وقتی صحبت از نظر قصه گویان در مورد بالاتر بودن ثواب صدقه و صله رحم نسبت به حج آورده شد، امام صادق واکنش تند نشان داده و با غلط انگاشتن این اولویت، حج را دارای رتبه بالاتری دانسته و پذیرش نظر قصه گویان را مساوی تعطیلی بیت الله بیان کردند:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ نَاسًا مِنْ هَؤُلَاءِ الْقَصَاصِ يَقُولُونَ إِذَا حَجَّ رَجُلٌ حَجَّةً ثُمَّ تَصَدَّقَ وَوَصَلَ كَانَ خَيْرًا لَهُ فَقَالَ كَذَبُوا لَوْ فَعَلَ هَذَا النَّاسُ لَعُطِّلَ هَذَا الْبَيْتُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ هَذَا الْبَيْتَ قِيَامًا لِلنَّاسِ.» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۵۲)

همچنین در روایت دیگر، ابراهیم بن میمون رویه ای داشت که یک سال به حج رفته و سال دیگرش هزینه حج را صدقه دهد که امام صادق علیه السلام این کار او را نادرست دانسته و حج را برتر از پانصد درهمی که او صدقه میداد قرار دادند. جالب است که بعد از آن ابراهیم از فضیلت حج نسبت به هزار درهم، هزار و پانصد درهم و دو هزار درهم پرسید و امام در هر بار حج را افضل دانستند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۹)

## ۱- ۳- ثواب حج در مقایسه با جهاد

جهاد نیز یکی از اموری است که ثواب بسیار بالایی نزد خداوند متعال دارد. از امام صادق

علیه السلام نقل شده است که برترین امور و پرفضیلت ترین آن ها بعد از واجبات، جهاد است (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴) از چند طریق از امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطبه ای نقل شده است که در آن جهاد را دری از درهای بهشت خوانده و آن را مخصوص اولیای خدا بیان کرده است. ایشان جهاد را لباس تقوا و زره ای محکم عنوان کرده و ترک کننده آن را پوشنده لباس خواری و اهل بلا و حقارت نامیدند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴) (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۰۹) (شریف، ۱۴۱۴، ص ۶۹)

اما جهاد با این عظمت و بزرگی وقتی با حج مقایسه شده، طبق بیان اهل بیت مرجوح شده و حج در اولویت قرار میگیرد. شخصی نزد امام رضا علیه السلام از آباء گرامی ایشان علیهم السلام نقل میکند که حضرات اجازه شرکت پدرش در جهاد و مرزداری در مرزها را نداده و او را توصیه به حج خانه خدا کردند. سائل سه بار سؤال خود را مطرح کرده و حضرت هر سه بار او را توصیه به حج خانه خدا کردند:

«قُلْتُ لِلرِّضَاعِ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيكَ ع أَنَّهُ قِيلَ لِبَعْضِهِمْ إِنَّ فِي بِلَادِنَا مَوْضِعَ رِبَاطٍ يُقَالُ لَهُ قَزْوِينُ وَعَدُوًّا يُقَالُ لَهُ الدَّلَيْمُ فَهَلْ مِنْ جِهَادٍ أَوْ هَلْ مِنْ رِبَاطٍ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجَّوْهُ ثُمَّ قَالَ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْحَدِيثَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجَّوْهُ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۰)

در روایتی دیگر نیز شخصی به امام سجاد علیه السلام با کنایه جسارت کرده و گفت که سختی جهاد در راه خدا را ترک کرده ای و به حج به این آسانی و بی دردسری روی آورده ای. حضرت در جواب این شخص از حالت تکیه داده، نشسته و بعد از وای گفتن بر او به خاطر این اندیشه ناپاک، کلامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده که حضرت رسول در آن به ثواب بسیار بالا و نتایج حج در غفران گناهان و شفاعت روز جزا اشاره کرده اند. این نوع بیان نشان دهنده جایگاه بالای حج در مقابل جهاد بوده در نظر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است. (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸)

## ۲- تحلیل روایات اولویت

### ۲-۱- نقطه محوری حج: عرضه ولایت و نصرت به امام و اخذ اخبار و مأموریت

برای پی بردن به حکمتی که پشت این اولویت بندی قرار دارد باید دید که حج چه آورده ای داشته که بقیه اعمال همچون صدقه، عتق رقبه و جهاد از آن بی نصیب بوده و در ارزش گذاری به پای آن داشته نمیروند. با بررسی روایات میتوان آورده سفر حج را در چهار بخش فرض کرد. یکی از لحاظ اقتصادی و رونق کسب و بازار در بلاد مسلمین و همچنین در خود کعبه (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۰۵)، دومی بعد شخصی و تربیتی که

تحمل سختی های سفر و نفس اعمالی که انجام میشود مثل سعی صفا و مروه، طواف و نماز (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۹) (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۰)، سومی نفس مطلوبیت پر بودن کعبه که در روایات با حکمت جلوگیری از هلاک امت بیان شده است. مثل دو روایت زیر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خالی شدن کعبه را مساوی هلاکت و نابودی مسلمانان دانسته اند:

«لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۲۳۶)

«لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا يَخْلُ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّكُمْ إِنْ تَرَكْتُمُوهُ لَمْ تُنْظَرُوا.»

(طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۲۲)

شاید این هلاکتی که به دلیل کم شدن تعداد زائران و خالی شدن کعبه از زائر پدید میاید به دلیل پایین آمدن انسجام و اتحاد مسلمین و کثرت آنان در چشم دشمنان باشد. چرا که هر چه قدر مراسم حج که نماد تعصب مسلمین به دین و اتحاد آنان و همچنین برشی از جمعیت مسلمان واقعی جهان است کم شود هم نشان دهنده کم شدن دینداری در بین آن ها و هم باعث طمع دشمنان میشود.

اما دلیل مهم دیگری که مورد بحث این مقاله بوده و نقطه محوری این پژوهش است علت دیگری است که توصیه به حج در زمان ائمه علیهم السلام برای مؤمنین از آن نشأت گرفته است. آن نقطه محوری تفقه و نقل اخبار ائمه و بالاتر از آن زیارت ایشان و بلکه بالاتر از آن عرضه دین به آنان است. در لسان روایات به تعبیر مختلفی میتوان این نکته مهم در حج را پیدا کرد. از جمله آن روایت صریحی از امام باقر علیه السلام است که دست سدیر را گرفته و کنار خانه خدا برده و به او فرمودند که یا سدیر مردم امر شده اند که به سمت این سنگ ها (منظور خانه خدا) بیایند و طواف کنند و سپس نزد ما آمده و ولایت خود را بر ما عرضه دارند:

«سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ وَهُوَ دَاخِلٌ وَ أَنَا خَارِجٌ وَ أَخَذَ بِيَدِي ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْبَيْتَ فَقَالَ يَا سَدِيرُ إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهِمُونَا لَنَا.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۹۳)

در روایت دیگری نیز با عباراتی مشابه روایت بالا علاوه بر اخبار به ولایت، عرضه نصرت مؤمنین به امام علیه السلام را نیز بیان میکند:

«إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۴۹)

از نوع عبارت پردازی این دو روایت میتوان دریافت که گویا هدف اصلی از حج عرضه ولایت و نصرت مؤمنین به ساحت امام معصوم علیه السلام بوده است. چرا که از کعبه به



عنوان سنگ تعبیر شده است نه به خاطر کم ارزشی آن بلکه به خاطر نشان دادن اینکه مناسک حج اگر به عرضه ولایت و نصرت امام منتهی نشود مثل این است که دور چند عدد سنگ چرخیده اند و آن هدف اصلی از حج برآورده نشده است. لذا در روایات داریم که تمام شدن حج با لقاء امام است:

«تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۴۹)

«أَبْدَعُوا بِمَكَّةَ وَ اخْتُمُوا بِنَا.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۵۰)

همچنین دسته ای از روایات موجود است که ثواب بسیاری را برای حج ذکر کرده اما آن را منوط به معرفت حق و حرمت اهل بیت علیهم السلام دانسته. به عبارت صحیح تر لسان روایت گونه ای است که مؤمن از حرمت و حق کعبه باید به حرمت و حق اهل بیت علیهم السلام معرفت پیدا کند و گرنه ثواب هایی که ذکر شده است به او نمیرسد. روایت زیر با اندکی تفاوت در عبارت پردازی در دو کتاب معتبر شیعی نقل شده است:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ بِمَعْرِفَةٍ فَعَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِنَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ كَفَاهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۱) (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۹)

با توجه به همین روایات است که کسی ملامحسن فیض مقصود اصلی از حج و زیارت کعبه را عرضه ولایت و نصرت به ائمه علیهم السلام دانسته به این معنا که هم دین را از ایشان گرفته و هم در راه تحقق آن اگر کاری از عهده شخص زائر برمیاید بر گردن او نهاده و ایشان را نصرت کند. جناب فیض تفسیر آیه شریفه «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيْتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم، ۳۷) را اینگونه بیان میکنند که بنای خانه کعبه به خاطر تحبب به ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام که در حال حاضر ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و عرض ولایت و نصرت بر ایشان بوده است. (فیض، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۱۵)

عرضه ولایت و نصرت و معرفت حق و حرمت اهل بیت علیهم السلام بدون همراهی با نقل اخبار و تفقه در دین و رساندن پیام امام به اهل دیار ناقص است. لذا میتوان روایاتی که از جمله اهداف حج را نقل اخبار ائمه و تفقه در دین دانسته اند را نیز در همین راستا تفسیر کرد. مثل روایت زیر که از جمله علل دستور به حج را تفقه و نقل اخبار ائمه علیهم السلام و رساندن آن ها به قوم و شهر و دیار خود دانسته اند:

«لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَ نَقْلُ أَخْبَارِ الْأئِمَّةِ عِوَالِي كُلِّ صُفْعٍ وَ نَاحِيَةٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَلَوْ لَا نَفَرَمِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ وَ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۹)

این روایت بیان کننده آن است که علاوه بر اینکه در حج باید ولایت مؤمن به امام



عرضه شود همچنین باید نصرت نیز به صورت گرفتن مأموریت و شنیدن احادیث و اخبار و انتقال آن به بلاد اسلامی و جمعیت شیعیان در سرتاسر کشور اسلامی صورت گیرد. لذا ایام حج ایامی برای آموزش مکتب تشیع، گرفتن فرمان از امام و تبلیغ و رساندن حقایق مکتب و انجام فرامین امام در شهر و دیار مؤمن است. اینگونه شبکه ارتباطی وسیعی شکل گرفته و مؤمنین هر ساله از راهنمایی های امام بهره برده و مشکلات خود را با ایشان در بی واسطه یا باواسطه در میان گذاشته و علاوه بر این از رسالتی که امام بر عهده آن ها گذاشته نیز با خبر میشوند.

علاوه بر اخباری که دلالت بر این وظیفه مهم مؤمنین در حج و شاید بتوان گفت مهم ترین وظیفه و تکلیف ایشان در حج دارد، سیره امام صادق علیه السلام در دوران امامت خویش نیز بر این بوده است. گزارش های فراوانی وجود دارد که نشان از آن دارد که اصحاب و یاران ایشان از سرتاسر بلاد اسلامی در ایام حج نزد ایشان جمع شده و یا اینکه برای دیدار امام از مکه به مدینه میرفتند. از جمله آن ها روایت معروف مناظره اصحاب کلامی امام صادق علیه السلام با فرد شامی است. روایت بیان کننده آن است که یاران امام در موسم حج در چادری جمع شده بودند که منتسب به امام صادق علیه السلام بوده و آنجا بحث علمی داشتند.

«... ثُمَّ قَالَ لِي أَخْرُجْ إِلَيَّ الْبَابِ فَنَنْظُرُ مَنْ تَرَى مِنَ الْمُتَكَلِّمِينَ فَأَدْخَلَهُ قَالَ فَأَدْخَلْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَكَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَأَدْخَلْتُ الْأَحْوَالَ وَكَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَأَدْخَلْتُ هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ وَكَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَأَدْخَلْتُ قَيْسَ بْنَ الْمَاصِرِ وَكَانَ عِنْدِي أَحْسَنَهُمْ كَلَامًا وَكَانَ قَدْ تَعَلَّمَ الْكَلَامَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فَلَمَّا اسْتَقَرَّ بِنَا الْمَجْلِسِ وَكَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَبْلَ الْحَجِّ يَسْتَقِرُّ أَيَّامًا فِي جَبَلٍ فِي طَرْفِ الْحَرَمِ...» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۳)

یا در نمونه ای دیگر وقتی ابن ابی العوجاء از هشام بن حکم سؤالی کلامی پرسیده و هشام از جواب آن عاجز میشود به مدینه رفته تا جواب را از امام بگیرد. در آن هنگامی که امام را ملاقات میکند امام با تعجب میپرسند که در غیر زمان حج و عمره چرا آمده ای؟ که هشام جواب میدهد در ماندگی در سؤال بود که مرا در غیر از زمان حج و عمره به اینجا کشانده است:

«... فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ جَوَابٌ فَرَحَلَ إِلَى الْمَدِينَةِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ يَا هِشَامُ فِي غَيْرِ وَقْتِ حَجٍّ وَلَا عُمْرَةٍ قَالَ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ لِأَمْرِ أَهْمَنِي إِنَّ ابْنَ أَبِي الْعَوْجَاءِ...» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۲)

این تعجب امام و جواب هشام نشان از آن دارد که گویا در سیره هشام رویه ثابتی بوده که مواقع حج و عمره به نزد امام شرفیاب شود و این سیره آن قدر متداوم بوده که امام از آمدن بی موقع هشام متعجب شده بودند. نمونه های بسیاری از تجمع اصحاب ائمه

در حج پیرامون امام و سؤال پرسدن و علم آموزی آنان و همچنین بیان حقائق توسط امام علیه السلام موجود است. (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۲) (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۲۱) (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۲۳)

## ۲-۲- تحلیل اولویت حج نسبت به صدقه و عتق رقبة

قبل از توضیح دلیل اولویت حج نسبت به صدقه، باید گفت صدقه ای که نسبت به حج در اولویت پایین تری قرار دارد در واقع صدقه ای است که در آن لحاظ شیعه یا عامی بودن فرد فقیر نشده است. چرا که روایاتی نقل شده است که در آن قضای حاجت مؤمن و همچنین اطعام و پوشاندن او از ده حج و بلکه بیشتر ثواب بالاتری دارند. به عنوان مثال در روایتی که با کمی تغییر از دو طریق مختلف نقل شده است امام صادق علیه السلام بعد از برشمردن ثواب بسیار بالای حج از جمله نوشتن شش هزار حسنة، محو شش هزار سیئه، بالا رفتن شش هزار درجه و باز شدن هفت در از بهشت، به سائل میفرمایند که آیا میخواهی تو را به کاری که فضیلت بیشتری از حج دارد آگاه سازم؟ سپس قضاء حاجت مؤمن<sup>۱</sup> را نام برده و آن را برتر از ده حج دانستند:

«مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوْفًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الْمُلتَزِمِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا الْفَضْلُ كُلُّهُ فِي الطَّوَّافِ قَالَ نَعَمْ وَ أَخْبِرْكَ بِأَفْضَلِ مِنْ ذَلِكَ قِضَاءِ حَاجَةِ الْمُسْلِمِ أَفْضَلُ مِنْ طَوْافٍ وَ طَوْافٍ وَ طَوْافٍ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۴)

در روایتی که این اولویت بیشتر نمایان است امام صادق علیه السلام قضاء حاجت مؤمن را برتر از بیست حجی میدانند که در هر حج، صد هزار درهم یا دینار انفاق دهند، یعنی ثوابی بالاتر از هم حج و هم انفاق را دارد:

«لِقِضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِشْرِينَ حَجَّةً كُلِّ حَجَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبِهَا مِائَةَ أَلْفٍ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۳)

در مورد اطعام و پوشاندن مؤمن نیز مثل روایات بالا نقل شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که اطعام مؤمن نزد من، از آزاد کردن ده برده و انجام ده حج برتر است:

«لِإِطْعَامِ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عِتْقِ عَشْرِ رِقَابٍ وَ عَشْرِ حَجَجٍ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰)

روایت دیگری نیز از ایشان نقل شده که مشابه روایت قبلی بوده اما در ادامه به ثواب پوشاندن مومن در زمستان و تابستان اشاره کرده و اجر آن را پوشاندن لباس بهشت بر تنش، آسان شدن سكرات مرگ برایش، توسعه در قبر او و بشارت ملائكة برای او بیان میکند:

۱. در ادامه خواهد آمد که در روایاتی که ثواب بالاتری از حج دارند مراد از مسلمانان، مؤمنان یعنی شیعیان هستند.

«لِإِطْعَامِ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَشْرِ رِقَابٍ وَعَشْرِ حَجَجٍ وَمَنْ كَسَاهُ ثَوْبًا كَسُوهُ شِتَاءً أَوْ صَيْفًا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ وَأَنْ يُهَوِّنَ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَأَنْ يُوسِّعَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ وَأَنْ تَتَلَقَّاهُ الْمَلَائِكَةُ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ بِالْبُشْرَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى تَنْزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۴۷)

این روایات همه نشان دهنده آن است که قضای حاجت مؤمن، اطعام و پوشاندن او از حج اولی بوده و ثواب بیشتری دارد. میتوان با استفاده از این روایات و اینکه یکی از مصادیق بارز برآورده ساختن حاجت مؤمن و اطعام و پوشاندن او نیاز مالی و خرج کردن مال برای خرید طعام و پوشاک است به این رسید که صدقه ای که در روایات آمده است، یا صدقه ای است که به عامه داده شده و یا اینکه در آن لحاظ عامی یا شیعه بودن فقیر نشده است. چرا که اگر صدقه وارد در روایات را صدقه به فقیر شیعی در نظر بگیریم تالی فاسد دارد چرا که یک عمل نمیتواند هم از حج اولی باشد و هم حج از آن اولی باشد لذا باید گفت آنجایی که بحث صدقه مطرح است، مراد، صدقه ای است که یا به فقیر عامی تعلق میگیرد و یا در آن لحاظ شیعی یا عامی بودن شخص فقیر نشده است.

علاوه بر این، روایاتی صراحتاً به این مطلب اشاره دارند که قضای حاجت و اطعام مؤمن از قضای حاجت و اطعام عامه بسیار ثواب بیشتر و اولویت بالاتری دارد. مثل دو روایت زیر که از امام صادق علیه السلام نقل شده و در آن ثواب اطعام مؤمن را صد هزار برابر بیشتر از بقیه مردم دانسته اند:

«لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ وَمَا الْأَفْقُ قَالَ مِائَةُ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۲)

«مَنْ أُطْعِمَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَنْ أُطْعِمَ فِيمَا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ وَمَا الْفَيْئَامُ مِنَ النَّاسِ قَالَ مِائَةُ أَلْفٍ مِنَ النَّاسِ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۲)

طبق آنچه تا حال بیان شد یعنی تحلیل ارائه شده از حج و صدقه، صدقه ای که در آن شیعه و عامه فرقی نکرده و بلکه به خاطر کثرت جمعیت عامه، بیشتر صدقات به عامه میرسد نسبت به حج در اولویت پایین تری قرار میگیرد. به عبارت دیگر خرج کردن در راه حج و آمدن به کعبه و در نتیجه زیارت امام، تجدید عهد با او، شنیدن حدیث و تفقه و همچنین دریافت مأموریت از جانب ولی معصوم، اولویت بیشتری دارد تا خرج کردنی که در آن شیعه از غیر شیعه مشخص نشده و کمکی به انسجام و گسترش جمعیت شیعی نکرده و تربیت مکتبی و ولایی در آن رخ نمیدهد.

## ۲-۳- تحلیل اولویت حج نسبت به عتق رقبه

نسبت به عتق رقبه نیز مثل مطلب بالا جریان دارد. برده ها و کنیز هایی که در جنگ های اسلام با ممالک دیگر به اسیری و بردگی گرفته شده بودند اغلب قریب به اتفاق، اگر مسلمان میشدند هم به خاطر غلبه جمعیتی عامه، مذهب عامه را می‌گرفتند. لذا عتق رقبه ای که در آن لحاظ شیعی یا عامه بودن فرد اسیر، نشده است خلاف تربیت ولایی بوده و به گسترش و انسجام جمعیت شیعی آن زمان کمکی نمی‌کرد.

علاوه بر مطلب بالا، با توجه به روایات قضای حاجت، اطعام و پوشاندن مؤمن و برتر بودن آن ها از حج، به طریق اولویت میتوان استنباط کرد که آزاد کردن بنده مؤمن نیز از حج ثواب بالاتری داشته و والاتر است. لذا عتق رقبه در روایات را نمیتوان به عتق رقبه مؤمنه حمل کرد بلکه یا منظور عتق رقبه عامی است و یا در آن عامی بودن یا شیعه بودن لحاظ نشده است. بنا بر این عتق رقبه ای که در آن شیعه بودن آن برده مهم نبوده و لحاظ نشده بلکه اکثراً رقبه، رقبه ای عامی بوده، در نظر امام علیه السلام، ثواب آنچنانی نداشته چرا که اثر تربیتی و ولایی نگذاشته و کمکی به انسجام و گسترش جمعیت و شبکه شیعی نمی‌کند.

در روایتی جالب، شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمده و عرضه داشت که بنده ای را آزاد کرده و الآن دنبال برده ای دیگر هستم اما توان مالی کافی برای خرید برده را ندارم. امام به او فرمود که برده را برگردانده. در ادامه ایشان فرمودند که امروز نیازی به آزاد کردن بنده ندارید چرا که در صورت آزاد کردن امروزش، فردا علیه ما شده و ضد ما عمل میکند. لذا نباید جز شیعه و عارف به امر اهل بیت علیهم السلام را آزاد کنید:

«رَأَيْتُ رَجُلًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَعْتَقْتُ خَادِمًا لِي وَهُوَ ذَا أَطْلُبُ شِرَاءَ خَادِمٍ مُنْذُ سِنِينَ فَمَا أَقْدِرُ عَلَيْهَا فَقَالَ مَا فَعَلْتَ الْخَادِمُ قَالَ حَيَّةٌ قَالَ رُدَّهَا فِي مَمْلُوكَتِهَا مَا أَغْنَى اللَّهُ مِنْ عِتْقِ أَحَدِكُمْ تُعْتَقُونَ الْيَوْمَ وَ يَكُونُ عَلَيْنَا غَدًا لَا يَجُوزُ لَكُمْ أَنْ تُعْتَقُوا إِلَّا عَارِفًا.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۹۶)

البته استنباط حکم حرمت از این روایت سخت است اما میتوان به کراهت آن و اینکه باید در عتق رقبه نیز جانب ولایت و تضعیف یا تقویت امام علیه السلام و همچنین مراعات روابط ایمانی ولایی لحاظ شود، پی برد. طبیعتاً عتق رقبه ای عامی و خرج کردن هزینه در این راه، اگر هم کراهت نداشته باشد اولویت بسیار پایین تری نسبت به حج و صرف هزینه در راه تجدید عهد با امام و عرضه ولایت و نصرت بر ایشان دارد.

## ۲-۴- تحلیل اولویت حج نسبت به جهاد

با توجه به تفسیر از حج و بازخوانی آن بر اساس روایات و اندیشه شیعی میتوان به راز اولویت حج نسبت به جهاد نیز پی برد. چنانچه در روایت اولویت حج نسبت به جهاد، امام با اینکه جهاد را والاتر از حج دانسته اند اما جهادی که همراه امام و به امر امام باشد نسبت به حج در اولویت است نه جهادی که امام در آن کاره ای نیست و در حکومتی غصبی انجام شده و امام به آن دستور نفرموده اند:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ عَبْدِ اللَّهِ عَ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيَّمَا أَفْضَلِ الْحَجِّ أَوْ الصَّدَقَةِ قَالَ هَذِهِ مَسْأَلَةٌ فِي مَسْأَلَةٍ- قَالَ كَمْ الْمَالِ يَكُونُ مَا يَحْمِلُ صَاحِبَهُ إِلَى الْحَجِّ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ إِذَا كَانَ مَالًا يَحْمِلُ إِلَى الْحَجِّ فَالصَّدَقَةُ لَا تَعْدِلُ الْحَجَّ أَفْضَلَ وَإِنْ كَانَتْ لَا يَكُونُ إِلَّا الْقَلِيلَ فَالصَّدَقَةُ قُلْتُ فَالْجِهَادُ قَالَ الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ فِي وَقْتِ الْجِهَادِ وَقَالَ وَلَا جِهَادَ إِلَّا مَعَ الْإِمَامِ.» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۳۴)

همچنین در روایت دیگری که شخصی با کنایه به امام سجاد علیه السلام میگوید که جهاد را ترک کرده ای و حج را ترجیح داده ای و سپس آیه ای از قرآن را تلاوت میکند، امام علیه السلام ادامه آیه شریفه را خوانده و به لزوم داشتن افرادی دارای شایستگی های لازم به عنوان شرط جهاد اشاره کرده و همراه بودن با آنان را شرط برتری جهاد نسبت به حج دانستند:

«وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ فَقَالَ قَدْ أَثَرْتُ الْحَجَّ عَلَى الْجِهَادِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ إِلَى آخِرِهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ فَأَقْرَأَ مَا بَعْدَهَا فَقَالَ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ إِلَى أَنْ بَلَغَ آخِرَ الْآيَةِ فَقَالَ إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَالْجِهَادُ مَعَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۹)

ویژگی هایی که امام سجاد علیه السلام برای آنان که همراهی آنان شرط اولویت جهاد نسبت به حج است برشمردند یعنی: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» (توبه، ۱۱۲) طبق روایتی دیگر (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۳) ویژگی خود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. یعنی امام سجاد علیه السلام در واقع شرط اولویت جهاد نسبت به حج را دستور و امر خودشان بیان کردند. پس وقتی جهاد همراه ولایت بوده و به دستور امام باشد، نسبت به حج در اولویت است اما وقتی امام دستور نداده و در حکومت جور صورت میگیرد توصیه به حج است و نه رفتن به جهاد.

جهاد و مرزرداری در آن زمان که نفعش به حاکمان جور آن زمان رسیده و نقشی در انسجام و گسترش جمعیت شیعی نداشته، مورد توصیه امامان معصوم علیه السلام نبوده است چرا که مرزها مرزداران خود را داشته و کیان اسلام و سرزمین اسلامی در خطر نبوده که از باب حفظ کیان اسلام حتی در حکومت جور واجب گردد و مرزرداری و جهاد

در راه حاکمان غاصب، در حقیقت تقویت دشمنان امام و تضعیف امام و جمعیت شیعی شمرده میشود.

این بیان را میتوان در روایتی که سائل از امام علیه السلام در مورد مرزرداری از مرزها پرسیده بود مشاهده کرد. آنجا امام علیه السلام سه بار بر اولویت حج نسبت به اینگونه جهاد و مرزرداری اشاره کرده و پس از مشاهده تکرار سؤال توسط سائل فرمودند که کسی که در خانه اش بنشیند و به امور خانواده اش برسد اما منتظر امر ما باشد و آن را درک کند مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و اله در جنگ بدر بوده و اگر امر ما را درک نکند مثل کسی است همراه قائم ما در چادرش بوده است:

«قُلْتُ لِلرَّضَاعِ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيكَ ع أَنَّهُ قِيلَ لِبَعْضِهِمْ إِنَّ فِي بِلَادِنَا مَوْضِعَ رِبَاطٍ يُقَالُ لَهُ قَزْوِبُنْ وَ عَدُوًّا يُقَالُ لَهُ الدَّيْلَمُ فَهَلْ مِنْ جِهَادٍ أَوْ هَلْ مِنْ رِبَاطٍ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجُّوهُ ثُمَّ قَالَ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْحَدِيثَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّ ذَلِكَ يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجُّوهُ ثُمَّ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ يَنْتَظِرُ أَمْرَنَا فَإِنْ أَدْرَكَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص بَدْرًا وَإِنْ لَمْ يَدْرِكْهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا فِي فُسْطَاطِهِ هَكَذَا وَ هَكَذَا وَ جَمَعَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع صَدَقَ هُوَ عَلَى مَا ذَكَرَ.» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۰)

این نوع بیان و قرار دادن انتظار امر اهل بیت علیهم السلام که همان حکومت حضرات معصومین باشد در مقابل مرزرداری در مرزهای مملکت آن زمان به خوبی نشان از تقابل این عمل دارد. گویی تا وقتی امر اهل بیت نیامده است مرزرداری و جهاد، نفعش به دیگری رسیده و نباید سراغ آن رفت.

اما میتوان حکمت این اولویت را به گونه دیگر نیز بیان کرد و آن اولویت جهاد فرهنگی در آن زمان نسبت به جهاد با شمشیر است. همانطور که بیان شد مکه و ایام حج محل تجمع مؤمنین بوده که ولایت و نصرت خود را بر امام عرضه داشته، روایت و مأموریت از ایشان گرفته و به دیار خویش بازگشته و اخبار را نقل کرده و مأموریت و رسالت خویش را انجام دهند. این نوع کار که از جنس کار فرهنگی و جهاد فرهنگی است در زمان امام صادق علیه السلام از جهاد با شمشیر در مرزها بیشتر است.

با استفاده از تحلیل های ارائه شده از اولویت بندی ها، میتوان گفت علاوه بر ارتکاز معمولی که وجود دارد یعنی بالاتر بودن ثواب و در نتیجه ترفیع درجه در بهشت، غرض دیگری نیز پشت مقایسه ثواب حج با دیگر اعمال وجود داشته و آن هم نوعی هدایت اجتماعی و تربیت ولایی صورت گرفته توسط امام معصوم است. بدین گونه که امام مناسبات اجتماعی، هزینه کرد مالی و همچنین اعمال فردی شیعیان را از تقویت عامه و در نظر نگرفتن گسترش مکتب تشیع به سمت هدفمند کردن آن سوق دادند. امام علیه

السلام گرچه در قالب بیان ثواب و بالاتر بودن ثواب حج از اموری مثل صدقه، عتق رقبه و جهاد، برای این مورد استفاده کردند اما در اصل به صورت غیر مستقیم با ساخت این اولویت، راهبردی برای جمعیت شیعی آن زمان ساخته و پرداخته کرده که منجر به انسجام، گسترش و تربیت جمعیت شیعی شد.

امام علیه السلام با روایات ثواب حج، در حقیقت، جمعیت شیعه را از بی تفاوتی نسبت به مکتب و اعتقاد خود رهانیده و هزینه کردن برای دیدار امام، تجدید عهد با او و استماع و نقل اخبار ایشان و حقایق شیعه را در نظر مؤمنین برجسته ساختند. همچنین با تعیین ثواب کمتر برای اموری که در آن لحاظ ولایت و تقویت جمعیت شیعه نشده، مؤمنین را به این تربیت رساندند که آنچه مهم است مکتب ولایت بوده و ارزش عمل انسان با ارتباط با ولایت و امام معنا پیدا میکند.

جدای از این، ایجاد ظرفیت تربیتی وسیعی مانند حج برای جمعیت شیعی و فرصت بسیار فراخ برای آموزش معارف ولایی و شیعی به مؤمنین از حجاج که از طریق روایات ثواب و اولویت ایجاد شده از آن ها به دست آمده است نیز از جمله دستاورد ها و به نوعی اغراض نهفته در این نوع روایات است. علاوه بر این ها در بعضی از سال ها مؤمنین توفیق همراهی کامل با امام علیه السلام در ایام حج و انجام مناسک حج را داشتند که علاوه بر استماع معارف، فرصت بی نظیر الگوگیری از اخلاق و رفتار مبارک آن ها را نیز دارا میشدند.

علاوه بر ابعاد تربیت جمعی، ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز در اتخاذ این راهبرد وجود دارد. از بین بردن تمرکز خرج مؤمنین از روی منفعت عامه و در نتیجه تقویت آن ها به سمت حج و گسترش فرهنگ ولایت و در ادامه (با توجه به روایات اولویت قضا حاجت مؤمن و اطعام و پوشاندن او) متمرکز ساختن خرج ثروت مؤمنین در داخل تشکیلات و جمعیت شیعه و کمک به فقرای از شیعیان و گره گشایی از جمعیت شیعی به جای عامه از اثرات مهم این نوع اولویت بندی در قالب روایات ثواب است.

از جمله دستاورد های مهم این اولویت بندی، انسجام هر چه بیشتر جمعیت شیعه و ایجاد خودکفایی در امور معیشتی و علمی است. تبدیل هزینه کرد غیرهدفمند به هزینه کرد هدفمند و در راستای افزایش معرفت و محوریت امام باعث شکل گیری هویت مستقل شیعی و تعصب ممدوح به مکتب تشیع میشود. همچنین اگر روایات اولویت قضای حاجت مؤمن و اطعام و پوشش او را نیز در نظر بگیریم، انتقال تمرکز هزینه کرد ها از هزینه های غیر هدفمند به هزینه های هدفمند و در راستای رفع حوائج شیعیان و گره گشایی از امور ایشان، باعث ایجاد عدم وابستگی نسبی به حکومت و مردم عامه و خودکفایی جمعیت شیعی درون تشکیلات خود میشود. نکته قابل توجه آن است که این رویکرد امام صادق



علیه السلام باعث ایجاد مقدمات شکل گیری سازمان و کالت در دوران امامت امامان بعدی گردید. (جباری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۷) (نیک آفرین و جان احمدی، ۱۳۹۲)

### ۳- جمع بندی

با توجه به مطالب بیان شده اهمیت این مطلب نمایان شد که باید اقدامات و روایات اهل بیت و در اینجا امام صادق علیه السلام را در یک منظومه و یک طرح کلی دید و آنگاه تحلیل کرد و گرنه تصور از امام و در نتیجه تصور از اسلام، تصور ناقص و برداشت ابتری خواهد بود. روایات ثواب حج گرچه در ظاهر بیان کننده اجر بالای حج و پاداش فراوان الهی است که در آخرت نصیب انسان میشود اما در پس پرده در واقع نوعی طرح ریزی عملیاتی برای استحکام باور شیعیان به امام و تربیت ایشان بر محور ولایت است.

جا به جایی تمرکز هزینه کرد مؤمنین از منفعت عامه به منفعت شیعه، مستحکم کردن اعتقاد آنان به ولایت، جهت دهی کنش ها و تعاملات اجتماعی آنان به سمت مکتبی شدن، فراهم کردن مقدمات تبدیل جمعیت شیعه به تشکیلات شیعه و پی ریزی سازمان و کالت از این طریق از جمله اغراض و اهدافی است که در پشت پرده روایات ثواب شیعه پنهان بوده و جز با نگاه کلان و اجتماعی نمیشود به این راهبری اجتماعی امام پی برد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- کلینی، محمد (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- طوسی، محمد (۱۴۱۴). الامالی، قم: دارالثقافه، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- ابن بابویه، محمد (۱۳۷۶). الامالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم
- ابن بابویه، محمد (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۳۶۲). الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۴۰۶). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۳۹۸). التوحید، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۴۰۳). معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- ابن بابویه، محمد (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چاپ اول
- برقی، احمد (۱۳۷۱). المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم
- دیلمی، حسن (۱۴۱۲). ارشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی، چاپ اول
- عیاشی، محمد (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه، چاپ اول
- ابن حیون، نعمان (۱۳۸۵). دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم
- ابن شعبه، حسن (۱۴۰۴). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم
- رضی، محمد (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم: هجرت، چاپ اول
- ابن قولویه، جعفر (۱۳۵۶). کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، چاپ اول
- فیض، محمد (۱۴۰۶). وافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام، چاپ اول
- خامنه ای، علی (۱۳۹۷). پیشوای صادق، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم
- خامنه ای، علی (۱۳۹۸). انسان ۲۵۰ ساله حلقه سوم، تهران: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول
- عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۶). استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- جباری، محمدرضا (۱۳۹۳). سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه ع، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی ره، چاپ دوم
- عالمزاده نوری، محمد (۱۳۹۱). فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال هجدهم، شماره ۳، صفحه ۲۲ الی ۵۵
- صالح آبادی، محمدرحیم (۱۳۹۲). نگاهی به ساز و کار ثواب و عقاب الهی، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۱۸، شماره ۶۷، صفحه ۸۱ الی ۱۰۴
- ربیع نتاج، علی اکبر و کلاهی، مراد و یوسفی، امین (۱۴۰۲). کاوش سندی و محتوایی ثواب ناهمگون احادیث زیارت خانه خدا، دوفصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره ۲۹، صفحه ۲۷۵ الی ۳۰۶
- نیک آفرین، مهدی و جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۲). پیامد ها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام، نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۰، صفحه ۲۹ الی ۵۶
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، فصلنامه اندازه گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹